

سیر تحول
عرفان هندی

سورندراناته داسگوپتا

ترجمه
دکتر ابوالفضل محمودی

تهران
۱۳۹۴

۲۱ الهیات (ادیان و عرفان)

سرشناسه: داسگوپتا، سورندراناث، ۱۹۵۲-۱۸۸۵ م.

عنوان و نام پدیدآور: سیر تحول عرفان هندی / سورندراناث داسگوپتا؛ ترجمه ابوالفضل محمودی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: شش، ۱۵۸ ص
فروست: «سمت»؛ ۱۸۷۳. الهیات (ادیان و عرفان): ۲۱.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۰۲۰۱۲۲-۷ ۴۵۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

Hindu Mysticism, c1959.

یادداشت: عنوان اصلی:

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: عرفان هندی

موضوع: عرفان بودایی

شناسه افزوده: محمودی، ابوالفضل، ۱۳۳۸-، مترجم.

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

شناسه افزوده: دانشگاه ادیان و مذاهب

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ س ۹ ۲۰۱۵/د BL

رده‌بندی دیویی: ۱۴۹/۳۰۹۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۶۵۳۴



Hindu Mysticism; Surendranath Dasgupta. New York: F. Ungar Pub. Co. 1959.

سیر تحول عرفان هندی

نویسنده: سورندراناث داسگوپتا

مترجم: دکتر ابوالفضل محمودی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم

و تحقیقات تهران)

ویراستار: دکتر ملیحه معلم

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم

انسانی و دانشگاه ادیان و مذاهب

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ: مهر (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشران، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و

تدوین (سمت)، کد پستی: ۱۴۶۳۶، تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، فکس: ۴۴۲۴۸۷۷۷، نامبر: ۰۲۵۳۲۸۰۲۶۱۰

نشانی: www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

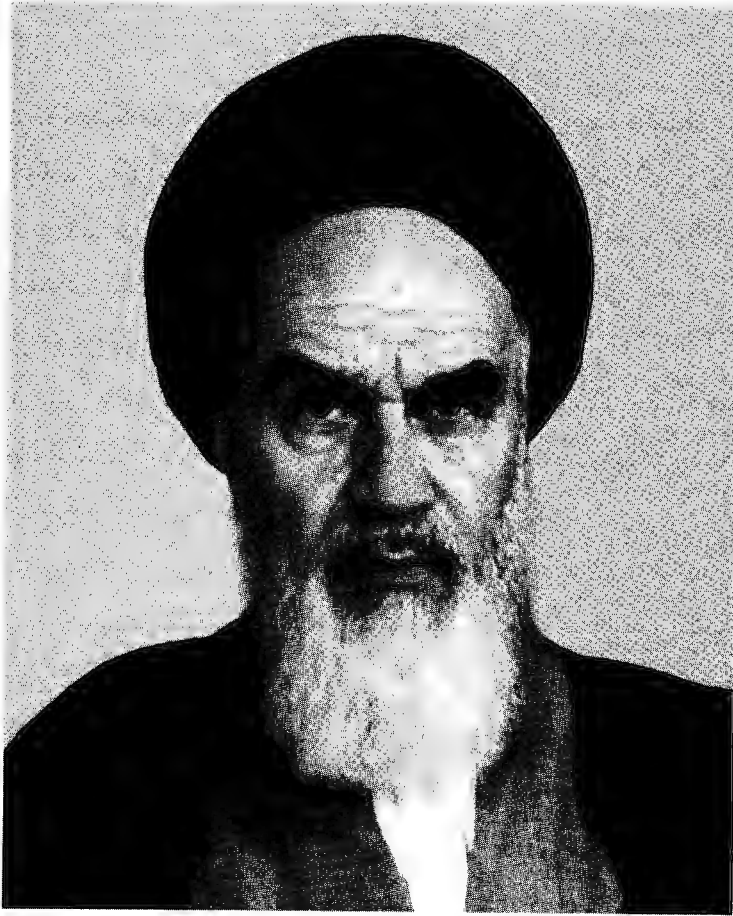
قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب، تلفن: ۰۲۵۳۲۸۰۲۶۱۰

نامبر: press@urd.ac.ir

www.urd.ac.ir

۰۲۵۳۲۸۰۳۱۷۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قرآن کریم مرکز همه عرفانهاست، مبدأ همه معرفتهاست.

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۴۳۸

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاهها به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند تا امکانات موجود با همکاری دانشگاهها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی، از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

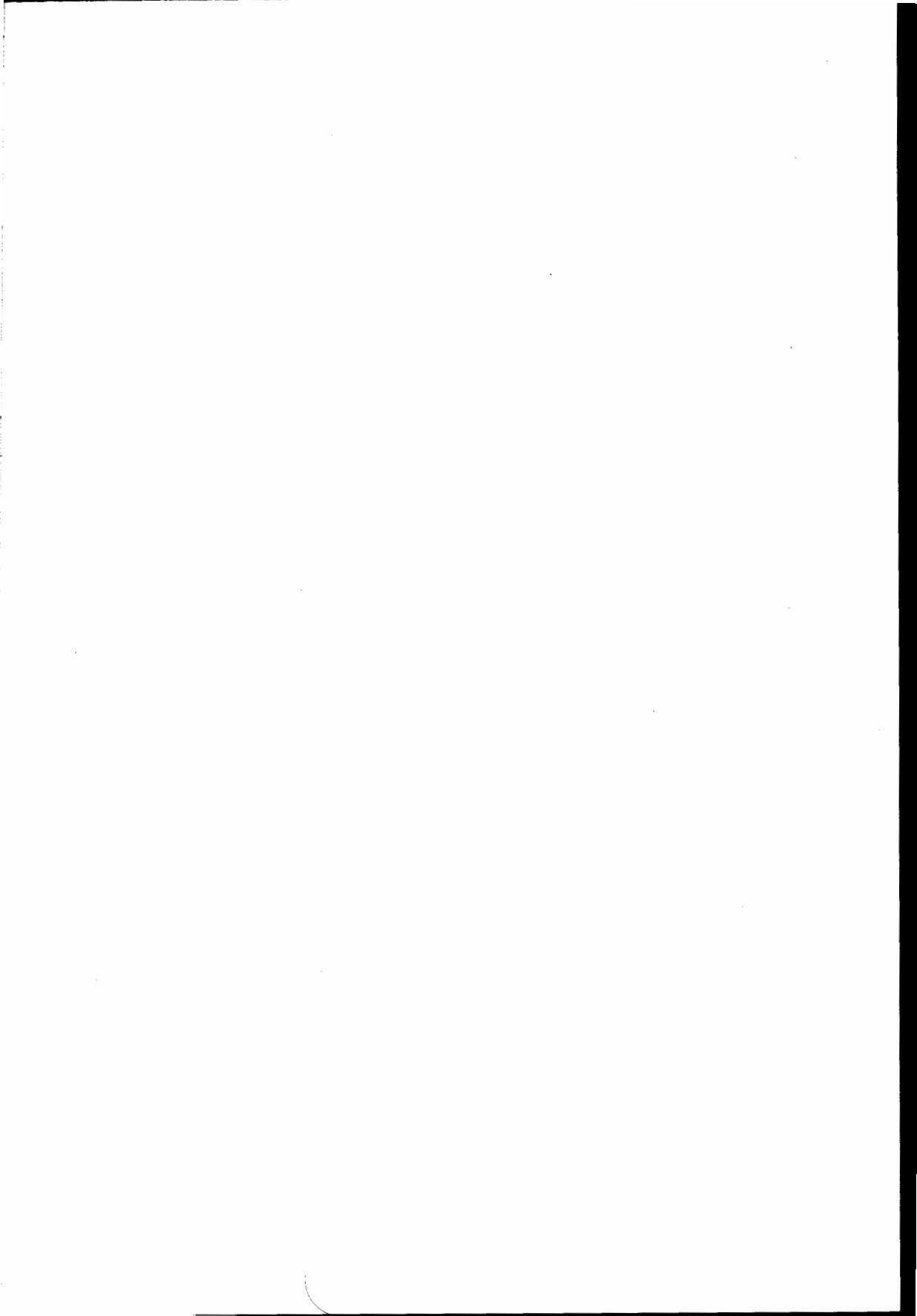
به همین منظور، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و دانشگاه ادیان و مذاهب چهارمین کار مشترک خود را با ترجمه و انتشار سیر تحول عرفان هندی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته‌های ادیان و عرفان، عرفان و تصوف و ادیان غیر ابراهیمی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان منبع کمک‌درسی دروس «ادیان هند و بودایی»، «عرفان و اخلاق در ادیان غیر ابراهیمی»، «تاریخ و اندیشه‌های ادیان هند» و «عرفان تطبیقی» و برای پژوهشگران، طلاب علوم دینی، استادان و سایر علاقه‌مندان به اندیشه‌های عرفانی منبعی قابل اعتماد و مفید است.

ضمن تشکر از مترجم محترم، آقای دکتر ابوالفضل محمودی، از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود ما را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری نمایند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۵	پیشگفتار
۱۱	فهرست تحلیلی مطالب
۱۹	گفتار اول: عرفان مرتبط با آیین قربانی
۴۱	گفتار دوم: عرفان اوپنیشدها
۶۱	گفتار سوم: عرفان یُگه
۷۸	گفتار چهارم: عرفان بودایی
۹۸	گفتار پنجم: گونه‌های کهن عرفان عاشقانه
۱۱۸	گفتار ششم: عرفان عاشقانه مردمی
۱۴۳	فرهنگ اعلام و اصطلاحات
۱۵۹	نمایه اعلام و اصطلاحات



مقدمه مترجم

امروزه گرایش روزافزون به عرفان و امور معنوی، به ویژه در میان جوانان، به خودی خود امری مبارک و فرخنده است و می‌تواند فرصتی باشد برای مریان و مدیران تربیتی جامعه؛ اما همچون هر زمینه دیگری که اقبال جامعه را در پی دارد، می‌تواند آفتها و آسیبهایی نیز داشته باشد. به نظر می‌رسد مواجهه آگاهانه تنها راه برخورد درست با این آسیبهاست؛ این آگاهی با تکیه بر آثار اصیل و نوشته‌های دانشمندان، و نه مبلغان و دکانداران، حاصل می‌شود. ترجمه حاضر گامی کوچک در این مسیر است.

سورندراناته داسگوپتا (۱۸۸۵-۱۹۵۲) مؤلف این اثر برای دانشجویان و استادان ادیان و همه کسانی که در حوزه دین و فرهنگ هندی مطالعه و پژوهش می‌کنند آشنا تر از آن است که نیازمند معرفی باشد؛ او دارای آثار متعددی است از جمله کتاب پنج جلدی *A History of Indian Philosophy* که مهم‌ترین اثر در زمینه تاریخ فلسفه هندی است. میرچا الیاده، دین‌شناس برجسته و سرویراستار کتاب مشهور *دایرةالمعارف دین (Encyclopedia of Religion)* بیش از سه سال در محضر و منزل وی شاگردی کرده است و در آغاز رساله دکتری خود درباره یگه، از او به عنوان «استاد» و «گورو»ی خود یاد می‌کند. دو اثر دیگر داسگوپتا عبارت‌اند از:
Yoga as Philosophy and Religion (1924),

و دیگر

Indian Idealism (1938).

اثر حاضر خلاصه‌ای از مهم‌ترین جنبه‌های برخی از مهم‌ترین عرفانهای هندی است که سیر تحول و تکامل اندیشه معنوی هندی را، که خود بنیان بسیاری از معنویت‌گراییهای جدید است، همراه با فراز و فرود آن نشان می‌دهد. فصل اول

نشان‌دهنده مرحله ابتدایی شکل‌گیری عرفان هندی و به تعبیر داسگوپتا شکل فروتر آن است. دوره اوپنیشدی که فصل دوم بدان اختصاص دارد، بیانگر نقطه عطف مهم در عرفان هندی است. در این دوره برخی از مفاهیم اساسی عرفان هندی همچون وحدت، نفی کثرت، همانی «من» یا آتمن با برهمن، تناظر انسان و جهان یا عالم صغیر و کبیر، حقیقت مطلق لا یوصف، که تنها با عبارات سلبی و بیان تنزیهی می‌توان از آن یاد کرد، معرفت به‌مثابه اصلی‌ترین راه‌رهای و ... در متون اوپنیشدی مطرح شد. این عرفان بعدها شکل نهایی خود را در مکتب ودانته، به ویژه ادویته ودانته شنکره، که خود را مفسر و پیرو اوپنیشدها می‌دانست، ادامه یافت.

به موازات پیدایش اندیشه‌های اوپنیشدی سه جریان عرفانی دیگر با مبانی متفاوت، اما همچون اوپنیشدها با هدف‌رهای از سنساره یا فرایند باززایی، در هند به حیات خود ادامه دادند. یکی از آنها مکتب یُگه بود که شاید ریشه‌های آن به پیش از دوره اوپنیشدها و حتی پیش از حضور آریاییها در هند باز می‌گشت. این مکتب بعدها با پذیرش مبانی ثنوی مکتب سانکھی به مکتبی دوگانه گرا؛ یعنی باورمند به اصالت و ازلیت دو حقیقت پوروشه و پرکریتی، یا روح و ماده، تبدیل شد و در پی آن بود تا با مراقبه و تمرکز (براساس روشهای عملی خاص خود) از دوگانگی رها و به بازساخت خود حقیقی خویش و سرانجام به‌رهای دست یابد. جریان عرفانی دیگر مکتب بودا بود که به ظاهر، درست در نقطه مقابل اندیشه‌های اوپنیشدی، منکر وجود آتمن (خود حقیقی) و هر گونه حقیقت مطلق و دگرگون‌ناپذیر شد. این مکتب با محور قرار دادن مسئله رنج آدمی در پی درمان آن بود و پرچنا یا معرفت به حقایق یا نشانه‌های هستی را راه درمان آن می‌دانست و با طرح راههای هشتگانه در پی وصول به پرچنا،‌رهای همیشگی از رنج و نیروانته بود. هرچند که در گذر زمان، به ویژه در مکتب مهاییانه (فرقه اکثریت) با برجسته شدن مفاهیمی چون تری کایه (سه پیکر) و بُدهیستوه (ذات در مسیر بودا شدن) در هدف، روش سلوکی و نیز مبانی آن دگرگونیهای مهمی به وجود آمد؛ مثلاً پرچنا جایگاه اولیه و برجسته خود را به کرونایا، یا مهر و شفقت و ایثار داد. جریان سوم (که مؤلف به‌طور مستقل بدان نپرداخته است) مکتب جین یا پیروان مهاویره بودند که تقریباً نزدیک به زمان بودا پدیدار شد و آن نیز با تأکید بر

دو گانه جیوه و آجیوه یا جاندار و بی جان می‌کشید تا با ریاضت‌های سخت و توانفرسا آرایشها و کدورت‌های عَرَضی جیوه، که آن را حقیقت اصلی انسان می‌دانست، بزداید و نابی، درخشش و آگاهی سرشتی آن را بازیافته و سرانجام به رهایی کامل واصل نماید. گفتارهای سوم و چهارم به این موضوعات اختصاص دارد.

پیدایش بهکتی، یا معنویت متکی به پرستش عاشقانه خداوند، نقطه عطف دیگری در تاریخ معنویت‌گرایی هندوست. این طریقت که رگه‌های اولیه آن را می‌توان در متون کهن هندی و حتی وداها مشاهده کرد، به عنوان یک راه، اولین بار در بهگود گیتا (مربوط به قرن پنجم تا دوم ق.م) نمود یافت و بعدها در متون پورانه‌ای همچون بها گوته پورانه (حدود قرن دهم میلادی) بسط و گسترش یافت. با این همه گسترش عملی این طریقت، که به گمان برخی پژوهشگران بی‌ارتباط با حضور صوفیان مسلمان در هند نیست، با جنبش آوارهای* ویشنویی و ناینمارهای* شیوه‌ای (قرون پنجم تا نهم م.) آغاز و در آموزه‌ها و روشهای حکیمانی چون رامانوجه، نیمبار که، مَدَهوَه، وگَبَهه، چِیتِنَه، و نیز مکتبهایی چون لینگایت و شیوه سیدّه‌انته ادامه، و در زندگی و سلوک عملی مجذوبان و شیدایان شوریده‌ای چون نامُدو، توکارام، کبیر، روی داس، میرابای، تولسیداس، و دیگران تجلی و ظهور عینی یافت. دو فصل آخر به این طریقت پرداخته است.

اما درباره ترجمه اثر، کوشش مترجم بر آن بود تا در کنار روانی و روشنی ترجمه هر چه بیشتر بر دقت و امانت‌داری پایبند باشد، از این رو سعی شد تا اثر حتی در امور شکلی و ساختاری به همان صورت اصلی حفظ شود. تنها دو تغییر (به گمان بنده مفید) داده شد؛ یکی گذاردن نشانه‌های آوایی برای اصطلاحات سنسکریت، که مؤلف به دلیلی که در مقدمه به آن اشاره کرده از کاربست آن خودداری کرده است، و دیگر افزودن فرهنگ توصیفی اعلام و اصطلاحات متن، که به پیشنهاد استاد معظم و ارجمندم، جناب دکتر فتح‌الله مجتبابی، تهیه و به پایان اثر افزوده شد.

سخن آخر اینکه در آماده‌سازی این اثر باید سپاسگزار دوستان و ارجمندانی

باشم که هر کدام به گونه‌ای به بنده یاری رساندند؛ سرکار خانم دکتر معلم که با پذیرش زحمت ویرایش اثر از خطاهای آن کاسته، بر وضوح و شیوایی آن افزودند؛ سرکار خانم دکتر لاجوردی که در پاره‌ای عبارات از مشاوره سودمندشان بهره‌مند شدم؛ جناب آقای میرقیصری که زحمت صفحه‌بندی را عهده‌دار بودند و سرانجام مسئولان و دست‌اندرکاران سازمان «سمت» و دانشگاه ادیان و مذاهب که در این شرایط نه چندان مساعد نشر، انتشار اثر را به شیوه‌ای مناسب پذیرا شدند. خداوند یارشان باد.

ابوالفضل محمودی

هشتم تیر ۱۳۹۳

پیشگفتار

هم در اروپا و هم در امریکا هندوان با عرفان تداعی می‌شوند، اما تا جایی که من می‌دانم، تا کنون با عرفان هندی، نه به شکل یک مقدمه کلی و نه به صورت یک ارزیابی جامع، برخورد نظام‌مندی نشده است. قاعدتاً مردم کوچه و بازار نمی‌توانند میان صورتهای والاتر و فروتر عرفان فرق نهند. آنها به عرفان، به طور کلی، با نوعی تقدیس یا احترام توأم با خرافات می‌نگرند و آن را روشی مبهم و فراطبیعی می‌پندارند که به وسیله آن به شیوه‌ای توضیح‌ناپذیر، کارهایی اعجاز‌آمیز انجام می‌شود یا مزایایی مادی به دست می‌آید؛ ارواح مردگان دیده می‌شوند، بخت و اقبال گشوده می‌گردد، نیروی بازوان افزایش می‌یابد، بدون زحمت و کوشش ثروت حاصل می‌شود، بیماریهای خطرناک و درمان‌ناپذیر با یک طلسم یا دعای ساده درمان می‌گردد، پیشگوییهای خطاناپذیر انجام می‌شود و همانند این امور. نمی‌خواهم بگویم آیا چنین پدیده‌هایی امکان‌پذیرند یا خیر، زیرا بحث فعلی من نه درباره واقعیتها که درباره باورهاست. اما اعم از آنکه این پدیده‌ها واقعاً رخ دهند یا رخ ندهند، گویای این باورند که برای رسیدن به سود و منفعت، راه میان‌بری از طریق نیروهای اسرارآمیز، فراطبیعی و اعجاز‌آمیز وجود دارد که برای عقل دست نیافتنی است. این نوع عرفان را من عرفان فرودست می‌خوانم، زیرا اهدافی که دنبال می‌کند تنها رسیدن به منافع فرودست دنیوی است. دیدگاه دیگر و جدای از آن، این باور است که حقیقت برین یا وقوف¹ و تحقق² نهایی (ماهیت آن هر چه که باشد) تنها از راه عقل به دست نمی‌آید بلکه راههای دیگری برای آن وجود دارد، مثل مهار

1. realisation
2. fulfilment

استوار و پایدار اراده، پرورش احساسات درست، یا ترکیب هر دو اینها، و یا این دو با هم در کنار برترین کارکردهای عقل. این عرفان برتر و راستین است، زیرا در جهت آزادی روح و دستیابی به برترین سعادت است.

عرفان در اروپا شرح حال روشنی دارد. به رغم گوناگونی انواع آن، می توان آن را تقریباً چنین وصف کرد که بر این باور است که خداوند را از راه مشارکت جذبه‌ای^۱ می توان دریافت. از نظر عارفان مسلمان، عارفان مسیحی و عارفان مشرب عشق و پرستش یا بهکته‌های هند، شهود خداوند و فیض الهی از طریق مشارکت عاشقانه^۲ یا وجد و جذبه عاشقانه در انواع گوناگونش دست یافتنی است. اما در همه این عارفان حس پرشوری نسبت به ضرورت صفای ذهن، رضایت و خرسندی، جد و جهد مدام برای کارهای خوب اخلاقی، انکار نفس و تنها خدا را در نظر داشتن مشاهده می کنیم. هیچ عرفان راستینی نمی تواند بدون عظمت راستین اخلاقی وجود داشته باشد. بنابراین، این عرفان را باید از باورهای موهومی همچون اینکه خدا اغلب مشاهده خود را به ما عنایت می کند یا در رؤیا بر ما ظاهر می شود، جدا کرد و همین طور از باور به مصونیت متون مقدس و اموری از این قبیل. زیرا این امور بیشتر چیزی جز ابراز ساده لوحی یا گرایش به باور تلقینات نیستند و شاید در بیشتر موارد با هوشیاری ناکافی عقل انتقادی و ترکیبی، پیوند داشته باشند.

من عرفان را باور یا دیدگاه تعریف کرده‌ام، اما معنای آن در حقیقت بسیار بیش از این است. در زندگی عارفان راستین، باورها تأثیر سازنده مهمی داشته‌اند. این باورها صرفاً [همچون تاریخ فلسفه] ثبت و ضبط عقلانی نظریات یا تجربه‌های گذرا نیستند، بلکه بیانگر آهنگ پویا و غالب شخصیت عارفان‌اند همچنان که پیشرفت می کنند و خود را به کمال می رسانند. عرفان نظریه عقلانی نیست؛ اساساً اصل فعال، سازنده، آفرینشگر، تعالی بخش و شرافت بخش زندگی است. من در اینجا به اشعار یا اندیشه‌هایی که تنها دربرگیرنده باورهای عرفانی هستند نپرداختم، بلکه صرفاً به آنهایی اشاره کرده‌ام که بیان بیرونی شکوفایی حقیقی و درونی زندگی در اشخاصی هستند که کوشیده‌اند تا در زندگی قدیسانه عرفان زیست کنند. عرفان عبارت است

1. Ecstatic Communion
2. devotional

از درک معنوی اهداف و مسائل زندگی به شیوه‌ای بسیار واقعی‌تر و غایی‌تر از آنچه برای عقل محض امکان‌پذیر است. حیات شکوفای عرفان به معنای صعود تدریجی در سطح ارزشها و تجربه و آرمانهای معنوی است. به معنای دقیق کلمه عرفان در پیشرفت خود ابعاد بسیار دارد و به همان غنا و کمال خود زندگی است. با در نظر گرفتن این دیدگاه، عرفان بنیاد همه ادیان است، به ویژه آن گونه که دین در زندگی دینداران واقعی به ظهور می‌رسد.

آشنایی با تجربه دینی هندی نشان می‌دهد که جز تجربه ارتباطی صمیمانه با خداوند، انواعی از تجربه‌های دینی و عرفانی وجود دارند. از این رو من تعریف خود را از عرفان جامع‌تر می‌سازم تا نه تنها عرفانهای اسلامی و مسیحی و صورت‌های بهکتی هندی، بلکه گونه‌های دیگر عرفان هندی را نیز دربرگیرد. نمی‌توانم انتظار داشته باشم که تحلیلی جامع یا حتی بررسی نسبتاً کاملی از ابعاد اصلی انواع گوناگون عرفان هندی را در محدوده این شش گفتار عرضه دارم. از این رو تنها کوشیده‌ام تا طرح کلی مختصری از برخی از مهم‌ترین گونه‌ها مطرح و به پیوندهای متقابل آنها، گاه از نظر تبارشناختی و گاه از نظر منطقی، اشاره کنم. من همه ارجاعات به موضوعات فلسفی مرتبط را حذف کردم، زیرا می‌توان بررسی جامعی از مسائل فلسفی را در کتاب دیگرم تاریخ فلسفه هندی (انتشارات دانشگاه کمبریج) یافت. جلد اول این اثر پیش‌تر منتشر شده و سایر مجلدات نیز در فرایند چاپ است.^۱

من ابتدا به توصیف عرفان مرتبط با قربانی پرداخته‌ام. این عرفان را با همه جزئیاتش نمی‌توان عرفانی از نوع برتر شمرد، اما بسیاری از جنبه‌های گونه‌های برتر عرفان را توسعه داد و نقطه آغاز تحول عرفان هندی را مشخص کرد. سپس چهار گونه اصلی عرفان را مورد بحث قرار داده‌ام: عرفانهای اوپنیشدی، یُگایی، بودایی و بُهکتی؛ گواينکه این گونه‌های خاص، خود شاخه‌های فراوانی دارند که نتوانستم به آنها وارد شوم. به برخی دیگر از گونه‌های کم‌اهمیت عرفان نیز اشاره کرده‌ام. افزون بر این،

۱. سالهاست که مجموعه این اثر ارزشمند پنج جلدی که بارها در انتشارات کمبریج و سپس در هند به چاپ رسیده است در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد و هنوز هم در حجم و جامعیت، مهم‌ترین و معتبرترین اثری است که در زمینه تاریخ فلسفه هندی نگاشته شده است. (مترجم)

عرفانهای دیگری نیز وجود دارند که دارای ماهیتی ترکیبی اند و عناصری از باورها و تکالیف دو یا سه گونه متفاوت از عرفان را به صورت ترکیبی به نمایش می گذارند. من نتوانستم همه آنها را معرفی کنم. با وجود این گونه‌های پنج گانه اصلی را که در اینجا توضیح داده‌ام، می توان گونه‌های بنیادین شمرد. با آنکه در توضیح و تشریح آنها بسیار بیش از این می شد سخن گفت، اما به همه ویژگیهای برجسته آنها به اختصار اشاره و عمده مطالب مستقیماً از منابع اصلی گرفته شده است. امیدوارم در آینده این فرصت را بیابم تا دوباره و با تفصیل بیشتری به این موضوع بپردازم.

شاید بر این اثر باید عنوان «پیشرفت عرفان هندی»^۱ را می نهادم، اما ممکن بود واژه «هندی» یا Indian [با توجه به کاربرد آن درباره بومیان امریکا] در امریکا به برداشت نادرست بینجامد، از این رو عنوان «عرفان هندو» را برای اثر حاضر برگزیدم، یعنی تعبیر «هندو» را جایگزین «هندی» کردم.^۲ واژه «پیشرفت» را نیز حذف کردم تا هیچ نشانی از اصطلاحات عبوس فنی نداشته باشد. به همین دلیل نشانه‌های آوایی را نیز [از واژه‌های سنسکریت] حذف کردم.

اکنون مشتاقانه وظیفه خود می دانم تا از کمیته سخنرانی بنیاد هریس که با دعوت اینجانب، افتخار طرح این سخنرانیها را به بنده دادند، سپاسگزاری نمایم، همین طور سپاس خود را به ریاست محترم والتر دیل اسکات^۳، پروفیسور ادوارد ال. شائوب^۴، و پروفیسور تی. دلبلیو. کوچ^۵، دبیر کمیته، ابراز می دارم. با نظر به اعتبار و جایگاه رفیع شخصیت‌های سخنران پیش از خود، که دانشمندانی برجسته در شاخه علمی مربوط به خود بودند، از عرضه ناچیز خود بسیار شرمگینم. در امریکا آنقدر لطف و مهمان‌نوازی در حق من شد که همیشه از این کشور بزرگ با قدرشناسی،

1. The Development of Indian Mysticism

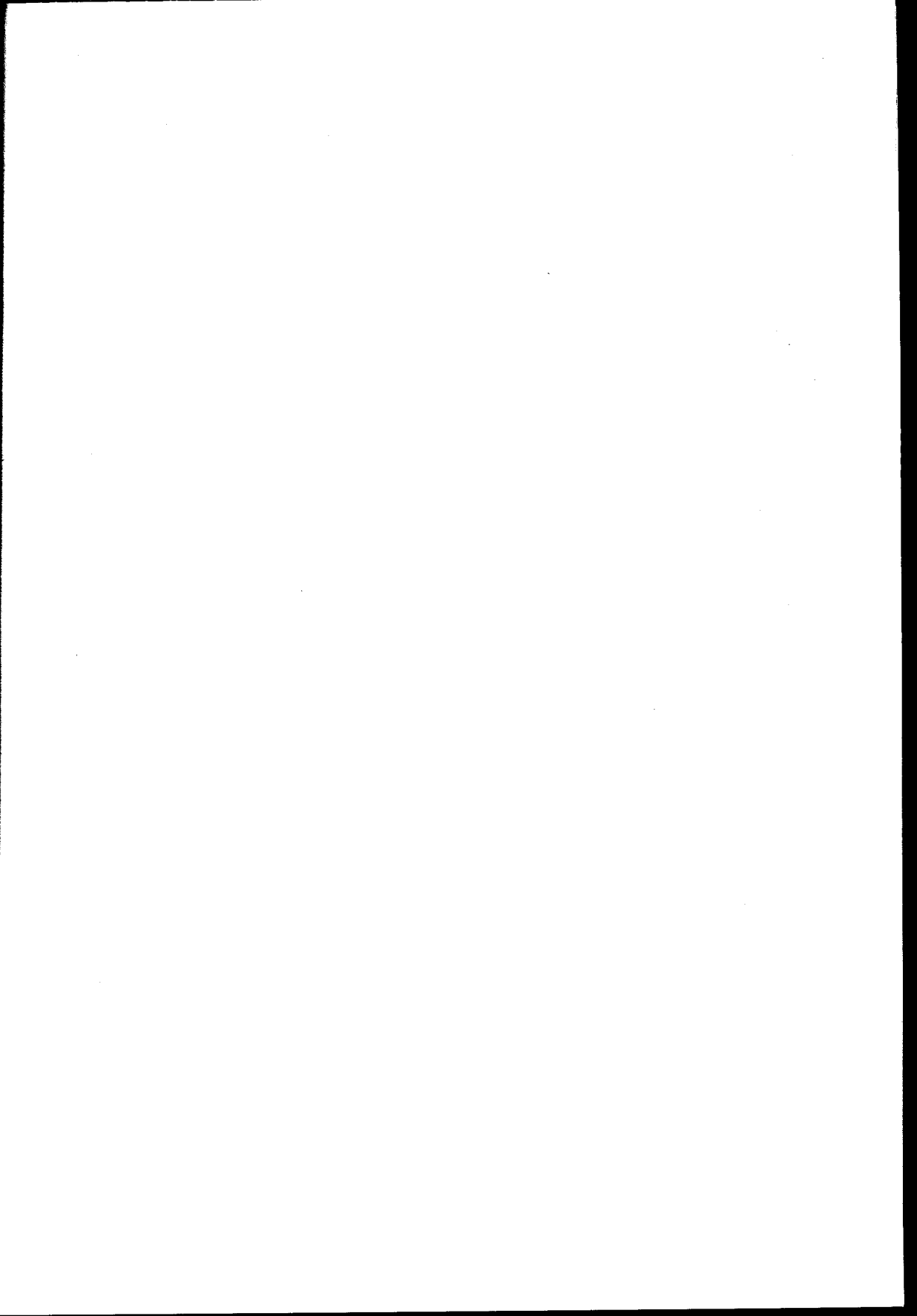
۲. عنوان اثر حاضر *Hindu Mysticism* یا «عرفان هندو» است که در ترجمه حاضر، با توجه به دقت بیشتر تعبیر «هندی» که بر خلاف تعبیر «هندو»، همه جریانهای فکری و عرفانی موجود در هند، از جمله بودایی، را دربرمی گیرد، و نیز نبود مشکل فوق در میان پارسی‌زبانان، همان تعبیر «هندی» ترجیح داده شد.

3. Walter Dill Scott
4. Edward L. Schaub
5. T. W. Koch

هواخواهی یا تحسین یاد خواهم کرد. اما هیچ‌گاه نمی‌توانم آن‌گونه که شایسته است سپاس و امتنان خود را نسبت به پروفیسور ادوارد ال. شائوب ابراز دارم. وی مسئول دعوت من به دانشگاه‌های امریکا بود، و همو گشاده‌دستانه مرا در ملاحظه این گفتارها از آغاز تا انجام زمان چاپ و همین‌طور با پیشنهاد تغییرات فراوان در سبک و عبارات، یاری رساند. از ادب و مهربانی ایشان که برای همیشه نام ایشان را نزد من عزیز گردانیده، چیزی نمی‌گویم.

اس. ان. داسگوپتا

کلکته، هند، ۱۹۲۷



فهرست تحلیلی مطالب

گفتار اول: عرفان مرتبط با آیین قربانی

۱. ریگ ودا و آتَهروَه ودا کهن ترین اسناد دینی نژاد بشر، تاریخ تقریبی آنها.
۲. آتَهروَه ودا عمدتاً در بردارنده سرودها، افسونها و اوراد است. ریگ ودا بیشتر در برگیرنده سرودها و نیایشهایی برای آیینهای معین است.
۳. ماهیت آیین گرای ودایی.
۴. دقت کامل در اجرای همه جزئیات آیینی ضرورتی گریزناپذیر برای تحقق نتایج قربانیه پنداشته می‌شود؛ زیرا به باور آنان عقل از یافتن چرایی آن ناتوان بود، سرودها و دستورهای آیینی در جایگاهی برتر از عقل قرار داشت و از این رو نویسنده‌ای برای آنها متصور نبودند؛ آنها بنفسه موجود و ازلی پنداشته می‌شدند.
۵. تمام ادبیات ودایی، تنها مجموعه‌ای از فرمانها پنداشته می‌شد. این فرمانها مستلزم وجود هیچ فرمان‌دهنده‌ای نبود.
۶. قدرت اسرارآمیز قربانیه می‌توانست هر نوع امتیاز مادی را فراهم سازد.
۷. برداشت رازآمیز از دستورهای ودایی.
۸. نیایشهای ساده فرزندگان اولیه ودایی نشان‌دهنده تأثیر ژرفی بود که پدیده‌های توضیح‌ناپذیر طبیعت بر آنها می‌نهاد، و آنان را به باور خدایانی که بر این پدیده‌ها فرمان می‌راندند، رهنمون می‌ساخت.
۹. وحی در معنای ودایی. فرمانهای ودایی غیرشخصی، مصون از خطا و ازلی‌اند.
۱۰. عقل باید پیرو وحی ودایی باشد، و حقایقی که یافته عقل‌اند باید با مراجعه به وداها ارزیابی شوند.

۱۱. تعریف عرفان.
۱۲. جنبه‌های اصلی عرفان مرتبط با قربانی.
۱۳. پیشرفت عرفان مرتبط با قربانی به سمت جایگزینی و تأمل.
۱۴. برخی از گونه‌های جایگزینی و تأمل حتی اکنون نیز در هند میان برخی از گروه‌های مردم دیده می‌شود.
۱۵. گسترش جایگزینی و تأمل مرحله‌ای تازه از پیشرفت به سوی آزادی اندیشه از تنگناهای باریک عرفان مربوط به قربانی را نشان می‌دهد. تعمیم سطحی اندیشه، چنین پیشرفتی را امکان‌پذیر ساخت.
۱۶. چگونه جایگزینی و تأمل به گسترش اندیشه برهنه یا حقیقت برین، به عنوان یکی بودن هستی، آگاهی و سعادت یاری رساند.
۱۷. سرودهای یکتاپرستانه ودایی چگونه به شکل‌گیری مفهوم برهنه یاری رساند.
۱۸. نیروی اسرار آمیز قربانیها و اندیشه برهنه.
۱۹. پگاه جستجوی برهنه.
۲۰. گذر از پرستش خدایان به سوی برترین درک و دریافت حق و حقیقت یا برهنه.
۲۱. پیدایش ادبیات/وینیشدی که با رشد و گسترش مفهوم برهنه پیوند داشت و ودانته نیز خوانده شد.

گفتار دوم: عرفان/وینیشدها

۱. سروده یکتاپرستانه هیرنیه گرنه.
۲. هرچند عبارات یکتاپرستانه را در مجموعه‌های شرعی مربوط به قربانی می‌توان یافت، هنوز در این مجموعه‌ها تقریباً به طور کامل تأکید بر نظام قربانی است.
۳. دانش برهنه به طور کامل بر این واقعیت استوار است که نیازهای معنوی انسان همواره به فراتر از محدودیتهای ضروریات دنیوی گرایش دارد.

۴. داستان میتریه و یاخنه و لکيه، جستجوی معنوی انسان را در آرزوی جاودانگی میتریه توضیح می دهد.
۵. بالاترین مرتبه جاودانگی عبارت از آگاهی برتر و مرتبه بیان ناپذیر تجربه عارف است که در آن دوگانگی شناسا و شناخته وجود ندارد.
۶. تجربه آگاهی برتر، در بنیان، به اصطلاح، شخصیت ما قرار دارد؛ چونان اساس، ذات و یا حقیقت آن، به مثابه خود حقیقی ما که عزیزترین و نزدیکترین امور به ماست و هر چیزی به خاطر آن برای ما عزیز است.
۷. این تجربه در سرشت خود، فرجامین و بنیادین است، یعنی حقیقت غایی که شالوده همه چیزهاست.
۸. جستجو در پی برترین حقیقت، که تجربه فرجامین شهودی ماست و یا باور به اصل غیر شخصی برتر و نیز گوهر درونی انسانی که به اندیشه‌ها، رفتارها و احساسات ما زندگی می بخشد، از جنبه‌های اصلی عرفان/وینیشدی است.
۹. داستان ناچیکتاس و «آنچه پس از مرگ برای انسان پیش می آید». جستجوی فلسفی حقیقت بر زندگی همراه با آسایشهای دنیوی برتری دارد.
۱۰. رشد تمدن مادی ما را از آرمانهای معنوی متعالی زندگی دور ساخت.
۱۱. گوهر برین معنوی را تنها با تماس شهود باطنی می توان درک کرد، نه با عقل استدلالی.
۱۲. گوهر بنیادین انسان، اشراق درونی اندیشه ناب است، که همان اصل فرجامینی است که در بنیاد همه چیزها قرار دارد.
۱۳. به این گوهر جاودان نمی توان با عقل دست یافت، بلکه تنها با شهود برتر دریافتنی است و این عرفان/وینیشدها است.
۱۴. [در اوپنیشدها] رشته دیگر و متفاوتی از اندیشه وجود دارد که برهمن را چونان پروردگار برین می انگارد که زندگی ما را به جنبش و قوای حسی را به حرکت درمی آورد.
۱۵. داستانی عرفانی برای روشن سازی این واقعیت که همه موضوعات حسی همچون آتش، باد، و غیره کارکردها و نیروهای خود را از این پروردگار برین می گیرند.

۱۶. با این همه، در برخی عبارات دیگر گفته شده است که این آفریدگار برین و نگهدارنده جهان و مهارکننده درونی ما، با آنکه به خودی خود یکتاست، اما جهان کثیر محسوس می‌گردد.

۱۷. در برخی از عبارات گرایشهای دوگانه گرایانه نسبت به خدا، روح و جهان بسیار برجسته است، در حالی که پهلو به پهلو آنها عباراتی با مضمون ظاهری همه‌خدایی^۱ وجود دارد.

۱۸. با این همه، به نظر می‌رسد که اوپنیشدها به شدت بر دیدگاه تجربه بیان‌ناپذیر و فرجامینی پافشاری دارد که با شهود مستقیم دریافتنی است.

۱۹. مفسران اوپنیشدها درباره اینکه کدام یک از این گرایشهای فکری اوپنیشدی اساسی‌ترند اختلاف دارند. اما در زندگی یک عارف راستین اوپنیشدی همه این گرایشهای ظاهراً متعارض فکری، هماهنگی و نمود ناگفتنی می‌یابد که برای تفکر استدلالی، درک‌ناپذیر است.

۲۰. در اوپنیشدها تنها از راه سخت‌ترین انضباط اخلاقی خویشتن‌داری، مهار نفس و آرامش، جستجوی خستگی‌ناپذیر و بردبارانه و با رؤیت شهودی درونی روح می‌توان به تجربه عارف دست یافت. بالاترین مرتبه، مطلقاً توصیف‌ناپذیر است.

گفتار سوم: عرفان یُگه

۱. کامل کردن زندگی اخلاقی برای درک و دریافت حقیقت اوپنیشدها گریزناپذیر است و در برخی عبارات اوپنیشدها اشاراتی به مهار نفس دیده می‌شود.

۲. دست کم از حدود ۸۰۰ یا ۷۰۰ ق.م روشهای مهار حواس در هند رواج داشته است.

۳. داستان خواب هینوتیک در مه‌بهارته.

۴. ریشه بیشتر گونه‌های عرفان هندی در باور آن به «خود»، چونان آگاهی ناب و اصل فرجامین همه موجودات است.

۵. مفهوم «من» و خود راستین.

۶. برای مردمان غربی جدید فهم و آگاهی درست از اشتیاق معنوی فرزانشان بزرگ هند باستان دشوار است، زیرا محیط طبیعی و اجتماعی عزلتگاههای آرام هند باستان با مراکز جدید تمدن کشورهای غربی بسیار متفاوت است.
۷. روح و ذهن با هم تفاوت دارند، هدف فرجامین گسستن بندهای ذهن است.
۸. ذهن از راه حالتها و تأثیرهای آگاهانه و نیمه آگاهانه می‌بالد، و یُگه عبارت است از متوقف ساختن حالت‌های ذهنی.
۹. بینش مند نسبت به کمترین رنج حساس است و هدف او ریشه کن‌سازی همه رنجها و امکان بالقوه آنها در آینده است.
۱۰. فضیلت‌های اثباتی بزرگی که یک یُگی باید آنها را به کار بندد.
۱۱. دستاوردهای ناگزیر اخلاقی یک یُگی.
۱۲. افزون بر اینها، دوره خاصی از انضباط‌های بدنی و روانی نیز برای یُگی لازم شمرده شده است.
۱۳. کارهای بدنی گوناگون همچون مهار تنفس و از این دست، برای بازایستادن همه جنبشهای ارادی و غیر ارادی بدن باید انجام گیرد.
۱۴. برخی از فرایندهای پاک‌سازی بدن با شست‌وشوی درونی.
۱۵. هدف تمرکز یُگه‌ای که با آن ذهن ثبات می‌یابد، متفاوت از تمرکز معمولی است. در آنجا ذهن بر روی یک موضوع دوخته می‌شود و در این زمان همه کارکردهای روانی تمیز [میان اشیاء] و پیوند [آنها] و غیره باز می‌ایستد، و این تمرکز استغراقی یا سمدهی است.
۱۶. پیشرفت تدریجی رشته‌های یُگه با ایمان و نیرو.
۱۷. شناخت شهودی پرچنا یا انهدام نهایی ذهن برای رهایی روح ضروری است.

گفتار چهارم: عرفان بودایی

۱. از دیدگاه مکتب یُگه پرهیز از بیزاری و دلبستگی، خویشتن‌داری برین و نخواستن مطلق برای رهایی روح گریزناپذیر است.

۲. گزارشی افسانه‌وار از راه کشیده شدن بودا به روش یُگه.
۳. راه نیروانه به مثابه خاموشی مطلق اندیشه از طریق نخواستن مطلق، انضباط درست و تمرکز یُگه‌ای است.
۴. تفاوت میان نظام بودا و نظام پتنجلی با نظر به هدف فرجامین.
۵. هدف، همچون نیروانه و همچون آزادی مطلق روح.
۶. باور به نیروانه بنیان عرفان بودایی است.
۷. اندیشه آزادی و اندیشه نیروانه بدون ذات بسیار همسان یکدیگرند.
۸. خروج از موضوع در مسیر اشاره به گونه‌های دیگری از عرفان، همچون باور به تپس، ریاضت و نَفَس‌کُشی به گونه‌ای که به برترین درک و دریافت انسان رهنمون شود.
۹. گونه‌های گوناگون ریاضت.
۱۰. نیروی فرا طبیعی که به تپس یا ریاضت نفس نسبت داده می‌شود.
۱۱. تپس به عنوان ریاضت نفس با تپس به عنوان نیروی تحمّل نیازهای مادی و خویشنداری تفاوت دارد.
۱۲. بودا دوره‌های کهنِ نفس‌کُشی و ریاضت نَفَس را مطلوب ندانست و روشی میانه را در پیش گرفت.
۱۳. فضیلت‌های دوستی همگانی، ایثار و غیره.
۱۴. در طرح هندویی از فضیلتها، فضیلت‌های طبقاتی و وظایف طبقاتی در اغلب موارد گسترهٔ جهانی‌نگری را محدود می‌سازد.
۱۵. دوستی همگانی در مه‌ایانه بودایی باوری کنشگرانه بود.
۱۶. مراتب گوناگون بوداها.
۱۷. داستان دلسوزی همگانی آریه‌دوه.
۱۸. وظایف یک بدهیستوه.
۱۸. فضیلت‌های یک بدهیستوه.
۱۹. فرایند بالندگی اخلاقی یک بدهیستوه.
۲۰. خوبی همگانی هدف فرجامین بدهیستوه.

گفتار پنجم: گونه‌های کهن عرفان عاشقانه

۱. آرمان یُگه‌ای کمال فردی.
۲. نظام هندویی زندگی فردگرایانه نیست، اما در نظم اجتماعی مبتنی بر نظامی طبقاتی است.
۳. نظام هندویی وظایف طبقاتی.
۴. فلسفه گیتا بر بایستگی پیشکش همه کارها و میوه‌های آنها به خداوند بافشاری می‌کند.
۵. تسلیم نمودن خویشتن به خداوند آرمان یُگی‌های گیتاست.
۶. آرمان عشق به خداوند در پورانه‌ها.
۷. برداشت رامانوجه از عشق به خداوند، چونان مراقبه پیوسته بر خداوند.
۸. در دوران اخیر، بهکتی یا عشق به خداوند جانی دوباره به روش یُگه بخشید.
۹. عشق به خداوند، چونان احساسی برین در بهاگوته پورانه.
۱۰. جنبه‌های ویژه راه بهکتی با راه کهن تر تفاوت داشت.
۱۱. راه بهکتی یا عشق مناسب چه کسی است؟
۱۲. تعریف و گُبه از بهکتی؛ آموزه پُرتی یا تسلیم.
۱۳. آموزه پُرتی با آموزه بهکتی بهاگوته تفاوت دارد.
۱۴. عرفان در احساس بهکتی.
۱۵. عشق الهی عنصر گریزناپذیر روان‌شناسی دینی.
۱۶. جایگاه عقل و احساس در دین.
۱۷. عشق و اشتیاق به خداوند آن گونه که در زندگی چینیته بنگالی آشکار شد.
۱۸. افسانه کریشنه.
۱۹. زندگی چینیته.
۲۰. عشق آتشین چیتیه به خداوند.

گفتار ششم: عرفان عاشقانه مردمی

۱. خداوند چونان بزرگ، و خداوند چونان عزیزترین.

۲. تفسیر معنوی از رخدادهای افسانه‌های کریشنه و مشارکت همدلانه در نمایش زندگی او.
۳. خدا چونان پدر و مادر.
۴. برداشتهای گوناگون از بهکتی.
۵. تصور و گبهه از بهکتی به عنوان پوشتی.
۶. چگونه عشق انسانی، خدایی می‌شود؟
۷. آرمان چندیداس از تحول عشق انسانی به خدایی.
۸. عشق به خداوند در جنوب هند در آوازه‌های آلوآرها.
۹. پیوند مکتب بهکتی کهن با مکتب بهکتی نوی کِهچِر؛ آموزگارِ نامُدو.
۱۰. گوهر آموزشهای نامُدو.
۱۱. توکارام و سروده‌های عاشقانه‌اش.
۱۲. عشق به خداوند در میان قدیسان شمال هند.
۱۳. کبیر، روح اصلاح طلبانه او و عشق او به خداوند.
۱۴. عشق به خداوند چونان میزانی بزرگ.
۱۵. برخی از سروده‌های کبیر که نشان‌دهنده شور و اشتیاق اصلاح طلبانه اوست.
۱۶. برخی از سروده‌های کبیر که نشان‌دهنده دیدگاه او به تهذیب و شور و سرمستی او برای خداوند است.
۱۷. روی داس عارف.
۱۸. میرآبای عارف.
۱۹. سروده‌های میرآبای عشق فراوان او به خداوند را نشان می‌دهد.
۲۰. تولسیداس؛ عارف، شاعر و قدیس.
۲۱. احساسات عرفانی عموم مردم که بیشترین بی‌سوادند.
۲۲. ارزش شوق و اشتیاق معنوی را نمی‌توان بر پایه سودمندی بیان کرد.